



**نقش نظام بانکی در ایجاد یا کنترل تورم
با تأکید بر اثر اعتبارات و تسهیلات سیستم بانکی**

محمد واعظ *

عبداله قنبری * *

* استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان

* * دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳۰۹	چکیده.....
۳۱۰	مقدمه
۳۱۱	۱- مبانی نظری تورم
۳۱۱	۱-۱- تعریف تورم و انواع آن
۳۱۲	۱-۲- نظریه‌های اقتصادی در خصوص علل تورم
۳۱۳	۱-۲-۱- تورم ناشی از افزایش تقاضا
۳۱۳	۱-۲-۱-۱- نظریه مقدار پول و ساز و کار تأثیر حجم پول بر سطح عمومی قیمت‌ها
۳۱۵	۱-۲-۱-۲- نظریه جدید مقداری پول (یولیون)
۳۱۵	۱-۲-۲- تورم ناشی از فشار هزینه
۳۱۶	۱-۲-۳- الگوی تورم از دیدگاه ساختارگرایان
۳۱۶	۳- پیشینه تحقیق در ایران
۳۱۸	۴- روش تحقیق
۳۱۸	۴-۱- معادله قیمت
۳۲۰	۴-۲- معادله عرضه پول
۳۲۱	۴-۳- معادله سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
۳۲۳	۴-۴- تجزیه و تحلیل نتایج
۳۲۵	نتیجه‌گیری و سیاست‌های پیشنهادی
۳۲۶	کتاب‌نامه

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۳۲۳	جدول شماره ۱: نتایج برآوردی معادله اول (قیمت) به روش 3sls
۳۲۴	جدول شماره ۲: نتایج برآوردی معادله دوم (عرضه پول) به روش 3sls
۳۲۴	جدول شماره ۳: نتایج برآوردی معادله سوم (سرمایه‌گذاری بخش خصوصی) به روش 3sls

چکیده

در ادبیات اقتصادی، اعتبارات و تسهیلات سیستم بانکی که در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته است یکی از عوامل مؤثر افزایش حجم نقدینگی بخش خصوصی قلمداد می‌شود. حجم نقدینگی بخش خصوصی یک متغیر عمده اقتصاد کلان و نیز یکی از ابزارهای اصلی سیاست‌های کنترل تقاضای کل محسوب می‌شود. گرچه تاکنون مطالعات بسیاری در رابطه با ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران انجام شده است، لیکن در هیچ‌کدام از آن‌ها توجه چندانی به اثر اعتبارات و تسهیلات سیستم بانکی به بخش خصوصی نشده است. به همین منظور، هدف این مقاله بررسی تورم در اقتصاد ایران با تأکید بر اثر این نوع اعتبارات و تسهیلات سیستم بانکی طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۶۰ است. در این راستا، بر مبنای الگوی مکتب پولی، این فرضیه که اعتبارات و تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش خصوصی یکی از عوامل مؤثر بر تورم در اقتصاد ایران، طی سال‌های این دوره بوده است، مورد ارزیابی و آزمون قرار گرفته و کوشش شده است سازوکار انتقال اثر اعتبارات و تسهیلات بانکی به بخش خصوصی مشخص و اثر این‌گونه اعتبارات بر تورم و تولید به تفکیک نشان داده شود. از به سبب آنکه متغیرهای اقتصادی دارای رابطه متقابل با یکدیگر هستند، و برای در نظر گرفتن تمام اطلاعات برای پردازش درست‌تر الگو از یک سیستم معادلات هم‌زمان استفاده شده است. نتیجه مورد انتظار این بوده است که افزایش حجم اعتبارات به بخش خصوصی و با توجه به افزایشی بودن کسری بودجه دولت به خصوص بعد از انقلاب اسلامی که از محل استقراض از بانک مرکزی تأمین شده است، از عوامل مهم و مؤثر بر افزایش حجم نقدینگی این بخش و در نتیجه سطح عمومی قیمت‌ها بوده است.

کلمات کلیدی: تورم، نقدینگی، اعتبارات و تسهیلات، معادلات هم‌زمان.

مقدمه

می‌توان گفت بانک در اصل ریشه دینی دارد و زمان پیدایش آن به دوران ابتدایی زندگی بشر برمی‌گردد. در واقع، از همان هنگام که پول فلزی گران‌بها به صورت اولیه مرسوم شد، بانک نیز به مفهوم ابتدایی آن به‌عنوان پدیده‌ای لازم رخ نمود (توتونچیان، ۱۳۷۵، ۲۹۸).

به‌طور کلی، اقتصاددانان از نظر هدف‌های سیاست کلان-اقتصادی، بر مواردی همچون اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها (کنترل تورم)، توزیع عادلانه درآمدها و رشد مداوم اقتصادی تأکید داشته‌اند. کنترل تورم، به‌عنوان یکی از هدف‌های سیاست کلان اقتصادی، به دلیل آثار مخرب همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است. از آثار مخرب تورم می‌توان به توزیع مجدد درآمد به سود صاحبان دارایی و به زیان حقوق بگیران، افزایش ناطمینانی و در نتیجه کوتاه‌تر شدن افق تصمیم‌گیری و کاهش سرمایه‌گذاری بلندمدت و موارد بی‌شمار دیگر اشاره کرد (عباسی نژاد و تشکینی، ۱۳۸۳).

نکته درخور توجه درباره تورم آن است که اقتصاددانان مکتب‌های مختلف در خصوص علل ایجاد تورم توافق نظر ندارند. طرفداران نظریه پولی، تورم را یک پدیده پولی می‌دانند که رشد مستمر و بالای حجم پول در اقتصاد منجر به ایجاد تورم بالا می‌شود. بی‌گمان آن‌ها (مکتب پولیون) در تفسیر جدید خود از نظریه مقداری پول استفاده می‌کنند که پول در کوتاه‌مدت خنثی نیست و بر متغیرهای حقیقی تأثیر دارد. لیکن در بلندمدت نظریه کلاسیک‌ها مبنی بر خنثایی پول را می‌پذیرند. اقتصاددانان مکتب کینزی معتقدند که علت اصلی تورم، فزونی تقاضای مؤثر بر تولید در اشتغال کامل است و تنها راه کنترل تورم را توسل به سیاست‌های تحدید تقاضا یا سیاست‌های تنظیم تقاضا می‌دانند (عماد زاده، ۱۳۸۴).

نظریه فشار هزینه، افزایش هزینه تولید را عامل اصلی افزایش قیمت‌ها معرفی می‌کند. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی، پدیده رکود تورمی که در دهه ۱۹۷۰ عموم کشورهای صنعتی با آن روبه‌رو شدند، از نوع تورم ناشی از فشار هزینه بوده است. نظریه پردازان این مکتب بر این باورند که عوامل مؤثر بر هزینه تمام شده بنگاه‌ها، مانند نرخ‌های بهره، دستمزد، قیمت‌های حامل انرژی و ... می‌تواند عامل تورم باشد (نصر اصفهانی و یآوری، ۱۳۸۲). نظریه‌های قبلی بیشتر برای توصیف کشورهای صنعتی قابل استفاده است و بنابراین ناتوانی نگرش‌های پولی و مالی در مهار تورم باعث توجه فزاینده به عوامل ساختاری در کشورهای در حال توسعه شده است. بر این اساس نظریه تورم ساختاری، ریشه‌های بنیانی تورم را در ساختار اقتصاد جست و جو می‌کند (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۴-۲۸).

با توجه به مطالب ارائه شده در خصوص ریشه‌های تورم در نظریات مختلف اقتصادی در این مطالعه، تمرکز اصلی بر نظریات اقتصاددانان مکتب پولی استوار است. در همین راستا و به‌منظور پاسخگویی به این فرضیه که اعتبارات و تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش خصوصی یکی از عوامل تورم است از سیستم معادلات هم‌زمان و روش‌های اقتصادسنجی طی دوره زمانی ۱۳۶۰-۱۳۸۵ استفاده شده است. به‌همین منظور، ابتدا در بخش اول به مبانی نظری تورم پرداخته می‌شود. در بخش دوم به پیشینه تحقیق در ایران می‌پردازیم. بخش سوم به روش تحقیق اختصاص دارد و سرانجام در بخش چهارم با نتیجه‌گیری و سیاست‌های پیشنهادی خاتمه می‌یابد.

۱- مبانی نظری تورم

به‌رغم وجود یک تعریف مشخص و قابل قبول در خصوص تورم، دیدگاه واحدی در مورد دلایل ایجادکننده آن وجود ندارد. برخی اقتصاددانان افزایش تقاضا، برخی فشار هزینه و گروهی دیگر عوامل ساختاری را دلیل بروز تورم معرفی کرده‌اند. در این قسمت پس از ارائه تعریفی از تورم، به بررسی نظریه‌های مختلف ارائه شده در رابطه با علل تورم می‌پردازیم و در ادامه آثار مخرب این پدیده اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱- تعریف تورم و انواع آن

تورم وضعیتی است که در آن سطح عمومی قیمت‌ها، به‌طور مداوم و به مرور زمان افزایش می‌یابد. نکته حایز اهمیت در تعریف تورم، عنصر زمان و تداوم افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است و تنها زمانی می‌توان گفت تورم رخ داده است که سطح عمومی قیمت‌ها به‌صورت مداوم طی زمان افزایش داشته باشد (تفضلی، ۱۳۷۶). این افزایش ممکن است از افزایش حجم پول و اعتبارات، یا عوامل دیگری همچون افزایش هزینه‌های تولید، بالا رفتن قیمت‌ها در خارج از کشور و عواملی مانند بروز سیل، خشکسالی و ... نشأت گرفته باشد (کتابی، ۱۳۶۷). برای تشریح بیشتر مفهوم تورم می‌توان به تعریف‌های ارائه شده توسط میلتون فریدمن^۱ که تورم را افزایش پایدار و مستمر سطح عمومی قیمت‌ها و لیدلر و پارکین^۲ که تورم را فرآیند مستمر افزایش قیمت‌ها و کاهش ارزش پول تعریف کرده‌اند، اشاره کرد. تورم بر مبنای درجه شدت آن، به سه دسته تقسیم می‌شود:

^۱ Fridman(1963)

^۲ Laidler and Parkin(1975)

اول- تورم خفیف

این نوع تورم (که از آن به نام تورم خزنده هم یاد می‌شود) به افزایش ملایم و کند قیمت‌ها در طول زمان اطلاق می‌شود، این نوع تورم معمولاً افزایش و رشد یک رقمی سطح عمومی قیمت‌ها را در بردارد (ویلیام و بلیندر، ۱۹۹۱).

دوم- تورم شدید

در این نوع تورم (که از آن به نام تورم خزنده یاد می‌شود) آهنگ رشد قیمت‌ها شدید است. هرچند ضابطه خاصی برای تعیین این نوع تورم وجود ندارد، لیکن نرخ‌های رشد قیمت بیش از ۱۰ درصد را می‌توان به‌عنوان تورم شدید تلقی کرد (ویلیام و بلیندر، ۱۹۹۱).

سوم- تورم بسیار شدید

در این تورم، رشد قیمت‌ها بسیار سریع و لجام گسیخته است. ویژگی عمده این نوع تورم بروز بی‌اعتمادی کامل نسبت به پول رایج کشور است. به‌عنوان یک معیار کمی، رشد قیمت‌ها در حدود ۵۰ درصد به بالا در ماه را به‌عنوان تورم بسیار شدید یا ابر تورم نام‌گذاری کرده‌اند (ویلیام و بلیندر، ۱۹۹۱).

۲-۱- نظریه‌های اقتصادی در خصوص علل تورم

تا دهه ۱۹۴۰ میلادی اقتصاددانان اغلب (با استناد به نظریه مقداری پول) معتقد بودند که اقتصاد زمانی دچار تورم می‌شود که در شرایط اشتغال کامل باشد و تولید قادر به پاسخگویی تقاضای اضافی ایجاد شده (از طریق رشد حجم پول) نباشد. با گذشت زمان شماری دیگر از اقتصاددانان، نظریه‌های ارائه شده قبلی را بسط دادند و عنوان کردند تورم زمانی رخ می‌دهد که اقتصاد در شرایط اشتغال کامل باشد و در آن هرگونه اضافه تقاضا (ناشی از رشد حجم پول، افزایش مستقل مصرف بخش خصوصی و ...) از طریق افزایش تولید قابل پاسخ نباشد.

با وقوع پدیده تورم توأم با بیکاری در دهه ۱۹۷۰ میلادی، نظریه قبلی قادر به توضیح وضعیت به‌وجود آمده نبود. به این ترتیب نظریه جدیدی برای تشریح این وضعیت ارائه شد، که علت بروز تورم را افزایش هزینه‌های تولید عنوان کرد. با شکل‌گیری اقتصاد توسعه، نظریه دیگری برای تشریح دلایل تورم (به‌خصوص برای کشورهای در حال توسعه) ارائه شده است که مشکلات ساختاری و تنگناهای طرف عرضه را از دلایل تورم معرفی می‌کند. بنابراین با گذشت زمان و بروز وقایع مختلف، نظریه‌های مختلفی برای توضیح دلایل تورم ارائه شده است. این

نظریه‌ها را می‌توان در قالب سه گروه اصلی یعنی: تورم ناشی از افزایش تقاضا، تورم ناشی از فشار هزینه و تورم ساختاری تقسیم بندی کرد.

۱-۲-۱- تورم ناشی از افزایش تقاضا

این نوع تورم همان‌گونه که از عنوان آن پیداست، در نتیجه فشارهای ناشی از اضافه تقاضا در بازار پدید می‌آید. این تورم که نخستین بار توسط اقتصاددانان مکتب کلاسیک و سپس توسط کینز در دو قالب متفاوت مطرح شد، دلیل اصلی تورم را فشار وارده از طرف تقاضای اقتصاد (و فزونی آن نسبت به عرضه) می‌داند. بی‌گمان با توجه به اینکه طرف تقاضای اقتصاد متشکل از دو بازار پول و کالا است، کلاسیک‌ها تنها بازار پول را (از طریق حجم پول) منشأ تغییر تقاضای کل معرفی می‌کنند، لیکن کینز تحولات هر دو بازار (پول و کالا) را دلیل تغییر تقاضای کل معرفی می‌کند. این نظریه خود به دو دسته تقسیم می‌شود که به‌طور اجمالی در مورد هر کدام بحث می‌کنیم:

۱-۲-۱-۱- نظریه مقداری پول و سازوکار تأثیر حجم پول بر سطح عمومی قیمت‌ها

نظریه مقداری پول از قدیمی‌ترین و مشهورترین نظریه‌های اقتصاد پولی است که ادعا شده است سلطه آن در سراسر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی قدرت استدلالی آن در بیان نوسان‌های قیمت‌ها نشان داده است. متفکران برجسته‌ای چون لاک و هیوم به تشریح و تدقیق نظریه مقداری پول پرداختند و آن را کم و بیش به‌همان شکلی درآوردند که به‌عنوان یکی از ارکان اقتصاد سیاسی کلاسیک یعنی، نظریه پولی پیروان این مکتب، اعتبار فراوان یافت. به‌نحوی که تا اوایل قرن بیستم نظریه غالب و رایج در اروپا به‌شمار می‌رفت و تا پیش از نظریه‌های ویکسل اقتصاددان سوئدی و کینز، اقتصاددانان قبلی در درستی این نظریه تردید نداشتند (توتونچیان، ۱۳۷۵، ۱۵۳). از دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک و بعد از آن، می‌توان با استفاده از نظریه مقداری پول اثر حجم پول بر سطح قیمت‌ها را بررسی کرد. نظریه مقداری پول نشان می‌دهد که ارزش پول یعنی، $1/p$ که در آن p سطح عمومی قیمت‌ها است، به‌وسیله تقاضا و عرضه پول تعیین می‌شود. پیش از توضیح مطلب باید افزود که نظریه مقداری پول به دو صورت بیان شده است. اول، تأکید ایرونگ فیشر بر جنبه جریان بودن پول است و دوم، که به‌وسیله اقتصاددانان کمبریج (انگلستان) یعنی مارشال، پیگو و کینز به نقش پول به‌صورت انباره تأکید داشتند.

براساس نقش جریان پول، سطح قیمت‌ها (p) در آن سطحی است که برای برقراری معادله زیر که بعضاً معادله فیشر نامیده می‌شود، ضروری است:

$$M.V=P.T \quad (1)$$

سمت چپ معادله (۱)، عرضه جریان پول است که تعداد واحدهای پولی هر دوره را نشان می‌دهد و سمت راست معادله، تقاضای جریان پول است که آن نیز تعداد واحدهای پولی هر دوره را نشان می‌دهد. بنابراین براساس معادله (۱) سطح قیمت‌ها در سطحی قرار می‌گیرد که عرضه و تقاضای پول با یکدیگر برابر باشند. افزون بر این، هر زمان مازاد عرضه جریان پولی وجود داشته باشد، سطح قیمت‌ها افزایش یافته و هر زمان مازاد تقاضای جریان پولی وجود داشته باشد، سطح قیمت‌ها کاهش می‌یابد و سرانجام آنکه، زمانی که تقاضا و عرضه جریان پول برابر صفر باشد، سطح قیمت‌ها ثابت خواهد ماند. در معادله کمبریج که نوع دوم معادله مبادله است و بر جنبه انباره تأکید می‌کند، به صورت زیر است:

$$M=k.P.T \quad (2)$$

که در آن $k=1/V$ و در نتیجه k ، عکس سرعت گردش پول است. براساس معادله کمبریج، سطح قیمت‌ها در حدی خواهد بود که موجب می‌شود تقاضای انباره‌ای پول یعنی، $k.P.T$ (یا تعداد واحدهای پولی در هر دوره) با عرضه انباره‌ای پول یعنی، M (یا تعداد واحدهای پولی در هر دوره) برابر باشد. معمولاً معادله کمبریج را به صورت زیر می‌نویسند:

$$M/P=k.T \quad (3)$$

سطح قیمت‌ها / موازنه اسمی = موازنه حقیقی $M/P=$

معادله (۳) بیان می‌کند که عرضه موازنه حقیقی (سمت چپ معادله) با تقاضا برای موازنه حقیقی (سمت راست معادله) برابر است. منظور از عرضه موازنه حقیقی، تعداد واحد کالا و خدماتی است که انباره اسمی پول (M) توانایی خرید آن را دارد و این مقدار با تقسیم موازنه اسمی پول بر سطح قیمت‌ها به دست می‌آید. نتیجه آنکه، سطح قیمت‌های متغیر است که موجب می‌شود عرضه موازنه حقیقی (M/P) با تقاضای آن برابر باشد. افزون بر این، سطح عمومی قیمت‌ها به دلیل مازاد عرضه حقیقی افزایش و به دلیل مازاد تقاضا کاهش می‌یابد و هرگاه مازاد عرضه و تقاضا برابر صفر باشد، سطح قیمت‌ها ثابت باقی می‌ماند (توتونچیان، ۱۳۷۵-۱۷۶).

۲-۱-۲- نظریه جدید مقداری پول (پولیون)

اقتصاددانان مکتب پولی را (برحسب نحوه نگرش نسبت به چگونگی اثرگذاری سیاست‌های پولی) می‌توان به دو گروه عمده، یعنی اقتصاددانان مکتب پولی شماره یک و اقتصاددانان مکتب پولی شماره دو تقسیم کرد. پیروان مکتب شماره یک با اعتقاد به انتظارات تطبیقی، معتقدند سیاست‌های پولی در کوتاه‌مدت بر سطح تولید و سایر متغیرهای حقیقی اثر می‌گذارد، لیکن در بلندمدت پول را خنثی معرفی می‌کنند. برای نخستین بار فریدمن با این فرض که عامل‌های اقتصادی انتظارات خود از متغیرهای اقتصادی را با توجه به اشتباه‌های گذشته خود به‌طور تدریجی تعدیل می‌کنند، عامل انتظارات را به‌عنوان یک متغیر درونزا وارد مدل کرد. ورود این متغیر جدید به فریدمن اجازه داد تا بتواند تجزیه و تحلیل‌های کوتاه‌مدت مربوط به آثار سیاست‌های پولی را از هم تفکیک کند. براساس بررسی فریدمن از آن‌جاکه عامل‌های اقتصادی انتظارات خود را در کوتاه‌مدت به‌صورت جزئی و نه کامل تعدیل می‌کنند، در کوتاه‌مدت امکان اثرگذاری سیاست‌های پولی در اقتصاد وجود دارد، لیکن چنین وضعیتی در بلندمدت نمی‌تواند ادامه داشته باشد. به بیان دیگر وی به تأثیرگذاری سیاست‌های پولی در کوتاه‌مدت و به خنثایی آن در بلندمدت اعتقاد دارد.

به‌رغم وجود نگرش‌های متفاوت، این مکتب را می‌توان دارای چارچوب‌های نظری مشخص زیر دانست:

اول- بخش خصوصی کارا عمل می‌کند و نیازی به دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی نیست.
دوم- هر افزایشی در حجم پول ابتدا سطح تولید و اشتغال را متأثر می‌کند، لیکن آثار حقیقی در بلندمدت ناپدید می‌شود و تنها سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد.
سوم- این اقتصاددانان مخالف کاربرد فعال سیاست‌های پولی و مالی و طرفدار کاربرد قواعد بلندمدت و یا اهداف از پیش تعیین شده در تنظیم سیاست‌های پولی هستند.
اقتصاددانان پولی شماره دو از بین سه قضیه بالا، قضیه دوم را نمی‌پذیرند و آن‌ها با اعتقاد به شکل‌گیری انتظارات عقلایی معتقدند، سیاست‌های پولی نه تنها در بلندمدت، بلکه در کوتاه‌مدت نیز بر متغیرهای حقیقی اثرگذار نیست (دفتر مطالعات اقتصادی، ص ۲۳ و ۲۴).

۲-۱-۲- تورم ناشی از فشار هزینه

نظریه فشار هزینه، تورم را ناشی از عدم تعادل‌های بخش عرضه اقتصادی می‌داند. به این صورت که کارگران و صاحبان صنایع تلاش می‌کنند با افزایش دستمزدها و قیمت سایر عوامل

تولید، سهم خود را از درآمد ملی افزایش دهند. این امر سبب بروز مارپیچ دستمزد- قیمت می‌شود و فشارهای تورمی ایجاد می‌کند. طرفداران این نظریه انواع سیاست‌های درآمدی را راهکار کاهش فشارهای تورمی می‌دانند (عمادزاده، ۱۳۸۴).

۳-۲-۱- الگوی تورم از دیدگاه ساختارگرایان

طرفداران نظریه‌های ساختاری تورم معتقدند ریشه‌های بنیانی تورم در ساختار اقتصادی جامعه نهفته است. به‌طور کلی می‌توان گفت عصاره مطلب ساختارگرایان این است که در کشورهای در حال توسعه، تورم معلول عدم توازن‌های ساختاری و کشش‌ناپذیری عرضه در بخش‌های کلیدی اقتصاد است و اینکه برای درمان اصولی تورم، تغییر در سیستم تولید، ساختار اقتصادی و توزیع درآمد ضروری است. بدین‌معناکه سیاست‌های ضد تورمی نباید به‌عنوان یک واکنش مقطعی نسبت به شرایط بحرانی تلقی شود، بلکه باید جزیی از راهبرد توسعه باشد (مسعودی و تشکینی، ۱۳۸۴).

۳- پیشینه تحقیق در ایران

درخصوص تورم مطالعات متعددی در ایران به انجام شده است. برخی از مطالعات رشد بی‌رویه نقدینگی، برخی فشار هزینه و برخی عوامل ساختاری و... را منشأ بروز تورم در اقتصاد ایران معرفی کرده‌اند. در این قسمت به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

داودی (۱۳۷۶) در بررسی خویش شناسایی فرآیند تورمی در ایران را از سه بعد زمانی کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد نرخ رشد بالای نقدینگی و افزایش نوسان‌های نرخ ارز در بازار ارز، مهم‌ترین عوامل ایجادکننده تورم در ایران محسوب می‌شوند، به‌طوری‌که یک درصد تغییر در حجم نقدینگی، باعث ایجاد تورم به میزان ۹۵ درصد می‌شود و این حاکی از پولی بودن تورم در اقتصاد ایران است.

مسعودی و تشکینی در سال ۱۳۸۴ در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بلندمدت بین نرخ تورم و عوامل مؤثر بر آن برای دوره زمانی ۸۱-۱۳۳۸ با استفاده از روش اقتصادسنجی خود توضیح‌برداری با وقفه‌های گسترده پرداختند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد تولید، شاخص قیمت کالاهای وارداتی، حجم نقدینگی و نرخ ارز از متغیرهای اثرگذار بر نرخ تورم در اقتصاد ایران است.

فرزین وش و رحمانی (۱۳۷۹) به مطالعه درونزایی عرضه پول و تأثیر فشارهای هزینه‌ای بر آن در اقتصاد ایران با تکیه بر دیدگاه اقتصاددانان بعد کینزین درباره درونزایی عرضه پول

پرداختند. در دیدگاه بعد کینزین چه بر اثر رشد فعالیت‌های اقتصادی و چه بر اثر فشارهای هزینه‌ای، و به دلیل وقوع هزینه‌ها پیش از درآمدها، نیاز به اعتبار بانکی گسترش می‌یابد. به طوری که با اعطای اعتبار توسط نظام بانکی و تبدیل آن به درآمد برای صاحبان عوامل تولید، توسط سپرده‌های بانکی نیز افزایش یافته و به این ترتیب عرضه پول درونزا می‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در اقتصاد ایران فشارهای هزینه‌ای (به‌رغم دولتی بودن نظام بانکی در بخش زیادی از دوره مورد مطالعه) قادر به توضیح تغییرات عرضه پول است و بدین جهت عرضه پول درونزا می‌شود.

تقوی و نخجوانی (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای با عنوان تورم رکودی در اقتصاد ایران به بررسی دلایل بروز آن و شناسایی شیوه‌های تأثیرگذاری سیاست‌های ملی بر این مشکل اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که وجود تورم رکودی تنها زائیده ناکارآمدی سیاست‌های مالی دولت نیست، بلکه این موضوع تنها بخشی از حلقه فرو بسته اقتصاد ایران است و می‌باید تحولات دیگری نیز در اقتصاد ایران رخ دهد، که توسعه نیروی انسانی و گسترش عقلانیت در جامعه، فراهم آوردن بستر مناسب اقتصادی، ارتقای سطح تخصص و فن‌آوری‌ها و تشدید انباشت سرمایه در کشور از آن جمله است.

سر آبادانی (۱۳۸۵) به بررسی عوامل تورم در ایران پرداخته، سپس راهکارهای اسلامی در جهت رفع آن ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد عامل اصلی تورم در ایران، ساختاری است. گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت باعث تقاضا برای محصولات غذایی و تجاری شده است. وجود محدودیت‌های بسیاری در دو بخش کشاورزی و صنعت سبب شده که تولید نتواند پاسخگوی این مازاد تقاضا باشد و در نتیجه قیمت نسبی آن‌ها افزایش یافته است. در مرحله بعد افزایش قیمت به بخش‌های دیگر سرایت کرده است و افزایش درآمدهای نفتی و نقدپنگی در اثر گسترش شبکه بانکی و تسهیلات بانکی، روند افزایش قیمت‌ها را تشدید می‌کند. در قسمت پایانی محقق با ارائه الگوهای اسلامی در زمینه‌های فرهنگ کار، تولید (در دو بخش کشاورزی و صنعت)، تعاون و سیاست‌های دولت (سیاست‌های پولی، مالیاتی و هزینه‌ها) راهکارهایی برای ایجاد تحول در بخش تولید و عرضه به‌منظور مهار تورم در اقتصاد ایران پیشنهاد کرده است.

۴- روش تحقیق

این قسمت به بررسی تجربی تأثیر تسهیلات و اعتبارات سیستم بانکی به بخش خصوصی بر تورم در اقتصاد ایران با استفاده از اطلاعات دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۶۰ به صورت سالانه اختصاص دارد.

۴-۱- معادله قیمت

برای دستیابی به معادله سطح عمومی قیمت‌ها از نظریه فریدمن در مورد تقاضای پول که براساس آن پول در چارچوب مباحث اقتصاد خرد در زمینه نظریه رفتار مصرف‌کننده و نظریه رفتار تولیدکننده در تقاضا برای عوامل تولید استفاده می‌شود. فریدمن عقیده دارد که یک مصرف‌کننده به سبب مطلوبیتی که پول در ایجاد کارایی بیشتر در پرداخت‌ها دارد، آن را نگهداری می‌کند. زیرا در غیر این صورت لازم است که او برای تبدیل اوراق قرضه به پول مکرر به کارگزار ورقه قرضه مراجعه کند و ریسک ناشی از کاهش قیمت را بپذیرد. بدیهی است که نگهداری ورقه قرضه به دلیل همین هزینه‌ها و ریسک، افزایش غیرمنتظره‌ای را در بر دارد؛ لیکن در مقابل نگهداری پول نقد به دلیل عدم ریسک، هیچ‌گونه بازدهی (به‌عنوان بهره) در بر ندارد. فریدمن عقیده دارد که تقاضا برای پول بستگی به سطح درآمد حقیقی دارد، همچنانکه این تقاضا تابعی از بازدهی از سایر روش‌هایی است که می‌توان دارایی را نگهداری کرد. مانند اوراق قرضه یا کالای بادوام. به نظر وی، تولیدکنندگان پول را به صورت دارایی مولد که جریان پرداخت‌ها و هزینه‌ها را تسهیل می‌کند نگه می‌دارند. به همان نحو که تقاضای آن‌ها برای خدمات حقیقی سرمایه، بستگی به سطح تولید حقیقی و قیمت نسبی سرمایه دارد، تقاضای ایشان برای موازنه حقیقی (یا درآمد) و بازدهی‌های نسبی روش‌های نگهداری ثروت است.

$$\frac{M}{P} = m = m(y, r_1, r_2, \dots, r_j, \dots, r_t) \quad (4)$$

که M تقاضای پول، P سطح عمومی قیمت‌ها و r_j نرخ بازدهی سایر دارایی‌هاست که می‌توانند جانشین پول شوند. از آن‌جاکه وی عقیده دارد که کشش پول نسبت به تغییرات درآمد واقعی Y تقریباً برابر یک است، می‌توان رابطه (۴) را به صورت زیر نمایش داد.

$$\frac{M}{P} = k(r_1, r_2, \dots, r_j, \dots, r_t) Y \quad (5)$$

همان‌طور که گفته شد، اگر نرخ بازدهی اوراق قرضه افزایش یابد، تقاضا برای پول کاهش می‌یابد، بدون توجه به این که بین تقاضای پول برای مبادلات و سفته‌بازی فرقی وجود داشته باشد. به‌طور خلاصه یادآور می‌شود که هرگاه انتظار بازدهی اوراق قرضه افزایش یابد، تقاضا برای اوراق قرضه افزایش می‌یابد.

فریدمن عقیده دارد که کالای بادوام (چه مصرفی و چه تولیدی) نیز به‌عنوان دارایی‌ها جانشین پول می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. زیرا با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها ارزش این کالاها (یا به عبارت دیگر قدرت خرید آن‌ها) تقریباً ثابت می‌ماند، در حالی که قدرت خرید پول کاهش می‌یابد. در نتیجه هرگونه افزایش در نرخ تورم انتظاری، در اصل می‌بایستی موجب کاهش تقاضا برای پول و اوراق قرضه و افزایش تقاضا برای انواع کالاهای بادوام شود. در این جا نکته ظریفی وجود دارد و آن این است که از یک‌رو افزایش یکباره سطح عمومی قیمت‌ها باعث افزایش تقاضای اسمی پول خواهد شد که M/P بدون تغییر بماند و از سوی دیگر، افزایش نرخ تورم انتظاری ادامه می‌یابد و باعث کاهش تقاضا برای پول حقیقی خواهد شد. مطالب فوق را می‌توان به صورت معادله زیر نوشت:

$$M_d = \frac{M}{P} = m = m(Y, r, P^e) \quad (۶)$$

که P^e نرخ تورم انتظاری، r نرخ بهره و Y درآمد حقیقی می‌باشد.

با افزایش Y تقاضای پول افزایش می‌یابد. با افزایش r نرخ بهره P^e تقاضای پول کاهش می‌یابد.

$$\frac{\delta m}{\delta p} < 0, \frac{\delta M}{\delta r} < 0, \frac{\delta m}{\delta Y} > 0 \quad \text{یعنی:}$$

به عبارت دیگر، تقاضای پول با سطح درآمد رابطه مستقیم و با نرخ بهره و هم‌چنین نرخ تورم انتظاری رابطه عکس دارد. بنابراین معادله نهایی تقاضای پول در این مطالعه به شکل زیر است:

$$L\left(\frac{M}{P}\right)_t^d = \alpha_0 + \alpha_1 LY - \alpha_2 \dot{P}^e - \alpha_3 r + u \quad (۷)$$

به دلیل این که هدف دستیابی به معادله سطح عمومی قیمت‌ها است رابطه (۷) را به صورت

زیر برای سطح عمومی قیمت‌ها می‌نویسم:

$$L p_t = -\alpha_0 - \alpha_2 \dot{L} P + \alpha_3 L r + \alpha_4 L M + U \quad (۸)$$

در رابطه فوق، P_t سطح عمومی قیمت‌ها، Y تولید ناخالص داخلی، P نرخ تورم انتظاری (شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی)، M حجم نقدینگی بخش خصوصی (به معنای وسیع پول) و r نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت است. در این معادله از شاخص تعدیل‌کننده تولید ناخالص داخلی، به‌عنوان متغیر سطح عمومی قیمت‌ها استفاده شده است، به‌دلیل اینکه تمام کالاها و خدماتی که در ارزش اضافی تولید ناخالص داخلی وارد می‌شود در چارچوب آن قرار می‌گیرد (توتونچیان، ۱۳۷۵-۴۴۸).

۲-۴- معادله عرضه پول

عرضه پول در جامعه می‌تواند قیمت‌ها را به نحو چشمگیری تحت تأثیر قرار دهد. افزون بر این قادر است آثار درخور توجهی را بر دیگر عوامل اقتصادی اعمال کند. بدین لحاظ است که عرضه پول از جمله شاخص‌های کلان مهم به حساب می‌آید و سیاست‌های گوناگون و متعددی اتخاذ می‌شود تا عرضه پول و نقدینگی به‌عنوان دو متغیر عمده اقتصادی به‌نحوی مطلوب جهت داده شوند.

عرضه پول M را می‌توان به‌صورت حاصل ضرب پایه پولی H در ضریب فزاینده پولی m بیان کرده که فرم ریاضی آن به شکل زیر است:

$$M = m.H \quad (9)$$

رابطه بین پایه پولی و عرضه پول و نقدینگی به‌علامت ضریب فزاینده عرضه پول و نقدینگی بستگی دارد. در صورتی که ضریب مزبور مثبت باشد، پایه پولی رابطه‌ای مستقیم با عرضه پول و نقدینگی خواهد داشت (توتونچیان، ۱۳۷۵-۱۰۲). بنابراین تمام متغیرهایی که پایه پولی و ضریب تکاثر پولی را تغییر می‌دهند بر عرضه پول نیز مؤثر می‌باشد.

اجزای پایه پولی براساس اقلام سمت دارایی ترازنامه بانک مرکزی عبارتند از: خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و خالص سایر دارایی‌ها، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی افزایش هزینه‌های جاری دولت به واسطه گسترش فعالیت‌های دولت در امور اقتصادی، ایجاد ارگان‌ها و سازمان‌های جدید، بروز جنگ تحمیلی و ... موجب شد فاصله شکاف پرداخت‌ها و دریافت‌های بودجه دولت عمیق‌تر و ساختار بودجه نامتعادل‌تر شود و بدین ترتیب روند کسری بودجه‌های دولت در این دوره با شدت بیشتری ادامه یابد. رویه دولت پس از انقلاب اسلامی در تأمین کسری بودجه، استقراض

از نظام بانکی به‌ویژه بانک مرکزی بوده است. بر این اساس، جبران کسری از طریق استقراض از بانک مرکزی، در حقیقت تزریق پول اضافی در اقتصاد کشور است. گفتنی است پولی که از این طریق خلق می‌شود به پول بیرونی موسوم است و یک افزایش در حجم پول بیرونی به منزله افزایش در خالص دارایی‌های مردم است. بدین ترتیب و براساس مطالب فوق، کسری بودجه دولت در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی از علل عمده افزایش پایه پولی و در پی آن حجم پول بوده است (اکبری و دینانی، ۱۳۷۹).

یکی از فرض‌های بنیانی بسیاری از تحلیل‌ها و مدل‌های اقتصاد کلان، فرض برونزایی عرضه پول به‌عنوان یک متغیر سیاست‌گذاری است. از اوایل دهه ۱۹۶۰، درونزایی عرضه پول توسط نوکینزین‌ها مورد توجه قرار گرفت. در تحلیل آن‌ها نه تنها ضریب تکاثر خلق پول درونزا می‌شود بلکه پایه پولی نیز درونزا است. اصولاً تغییرات عرضه پول، پی‌آمد وضعیت اعتباری است. در دیدگاه این اقتصاددانان هم بر اثر فشار هزینه‌های دستمزد و هزینه‌های مواد اولیه، نیاز به اعتبار و تقاضای اعتبار بنگاه‌ها افزایش می‌یابد. با افزایش تقاضای اعتبار، بانک‌ها اقدام به اعطای اعتبار می‌کنند. آن‌گاه اعتبار اعطا شده، توسط بنگاه‌ها خرج شده و تبدیل به درآمد برای صاحبان عوامل تولید می‌شود. صاحبان عوامل تولید نیز بخشی از درآمد خود را به‌صورت سپرده‌های بانکی نگهداری می‌کنند و به این ترتیب به‌دنبال افزایش اعتبار، عرضه پول نیز افزایش می‌یابد. پس جهت علیت، از تقاضای اعتبار به‌سوی سپرده‌ها و عرضه پول است. از این‌رو با توجه به مطالب یاد شده معادله نهایی عرضه پول را می‌توان به‌صورت زیر در نظر گرفت:

$$LM = \beta_0 + \beta_1 LCS + \beta_2 BD + U \quad (10)$$

در معادله فوق CS مانده اعتبارات و تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش خصوصی، BD کسری بودجه دولت است. رابطه فوق به‌دلیل اینکه کسری بودجه دولت منفی است، به‌صورت نیمه لگاریتمی نوشته شده است.

۳-۴- معادله سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

نظریه‌های مختلفی بر ارتباط بین تسهیلات اعطایی شبکه بانکی به‌عنوان یک متغیر پولی و سرمایه‌گذاری به‌عنوان یک متغیر واقعی اقتصاد به‌صورت غیرمستقیم و از طریق تأمین وجوه سرمایه‌گذاری تأکید می‌ورزند. تمامی این نظریه‌ها نیز بر تأثیر سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی تأکید می‌کنند (سلیمی فر و قوی، ۱۳۸۱). همچنین در این رابطه پژوهش‌های بسیاری مانند (سلیمی فر و قوی، ۱۳۸۱)، (کارشناس، ۱۹۹۰)، (خلیلی عراقی، ۱۳۷۶)، (کلاهی، ۱۳۷۰)، (طالبی،

۱۳۷۸) و (بانوسی، ۱۳۷۷) انجام شده است که براساس آن‌ها حجم اعتبارات شبکه بانکی بر سرمایه‌گذاری خصوصی ایران تأثیر درخور توجهی داشته است.

جمع کثیری از پژوهشگران معتقدند که سرمایه‌گذاری دولتی اثر مثبت و تشویقی بر سرمایه‌گذاری خصوصی دارد و ابزار قدرتمندی برای سیاست اقتصادی است. لیکن، این امکان نیز وجود دارد که افزایش سرمایه‌گذاری دولتی، کاهش فعالیت تولیدی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را در پی داشته باشد. از این‌رو، می‌توان گفت سرمایه‌گذاری بخش دولتی دارای دو اثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی است، اثر مکمل و اثر جانشینی. اگر منابع در سطح اشتغال کامل نباشند، افزایش در سرمایه‌گذاری دولتی، چه به‌طور مستقیم و چه غیرمستقیم و از طریق ضریب فزاینده، باعث افزایش درآمد و تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود (سلیمی فر و قوی، ۱۳۸۱).

از دیگر عواملی که بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تأثیر می‌گذارد، نرخ تورم است که بیانگر وضعیتی است که اقتصاد در بلندمدت با آن روبه‌رو است. منظور از وضعیت اقتصادی، وجود ثبات و یا نوسان‌های اقتصادی است، به این مفهوم که زمانی که اقتصاد در وضعیتی به سر می‌برد که از تمام ظرفیت‌های تولیدی استفاده نمی‌کند، افزایش تقاضا، واکنش سریع‌تر سرمایه‌گذار به تفاوت بین سرمایه‌گذاری واقعی و مطلوب را به همراه خواهد داشت. لیکن، زمانی که تولید واقعی بالاتر از ظرفیت باشد، واکنش سرمایه‌گذار با کندی بیشتری همراه خواهد بود (سلیمی فر و قوی، ۱۳۸۱). با توجه به مطالب فوق معادله سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به‌صورت زیر در نظر گرفته شده است.

$$LIP = \delta_0 + \delta_1 LCS + \delta_2 LIG + \delta_3 LCP + U \quad (۱۱)$$

در این معادله، CS مانده اعتبارات و تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش خصوصی، IG سرمایه‌گذاری بخش دولتی و CP سطح عمومی قیمت‌ها است.

با توجه به معادلات ارائه شده مدل پیشنهادی ما در این مطالعه به‌صورت زیر است:

$$L P_t = -\alpha_0 - \alpha_1 LY + \alpha_2 L P + \alpha_3 Lr + \alpha_4 LM + U \quad (الف)$$

$$LM = \beta_0 + \beta_1 LCS + \beta_2 BD + U \quad (ب)$$

$$LIP = \delta_0 + \delta_1 LCS + \delta_2 LIG + \delta_3 LCP + U \quad (ج)$$

شایان ذکر است به‌دلیل اینکه معادلات الگوی ارائه شده همگی در وضعیت بیش از حد مشخص قرار دارند، از روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای (3sls) با استفاده از نرم افزار Stata جهت

تخمین آن‌ها استفاده شده است. داده‌ها و اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق از پایگاه اطلاعاتی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران اخذ شده است.

۴-۴- تجزیه و تحلیل نتایج

کاهش درآمدی سطح عمومی قیمت‌ها ۰/۰۶ درصد است. یعنی یک درصد تغییر در تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت، سطح عمومی قیمت‌ها را به میزان ۰/۰۶ در جهت مخالف تغییر خواهد داد. ضریب انتظارات تورمی ۰/۶۶ درصد است. بنابراین می‌توان گفت انتظارات تورمی یکی دیگر از عوامل مؤثر بر سطح عمومی قیمت‌ها طی دوره مورد بررسی است. در معادله اول رابطه معناداری و مثبت بین نرخ سود بانکی و سطح عمومی قیمت‌ها وجود دارد، به طوری که به ازای یک درصد تغییر در نرخ سود بانکی منجر به ۰/۵۶ درصد تغییر در سطح عمومی قیمت‌ها ایجاد می‌شود. همچنین با توجه به اثر مثبت و معنادار حجم نقدینگی بخش خصوصی بر رشد سطح عمومی قیمت‌ها، چنین نتیجه گرفته می‌شود که یکی از عوامل مؤثر بر تورم طی دوره مورد بررسی با ضریب ۰/۳۶ درصد بوده است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: نتایج برآوردی معادله اول (قیمت) به روش 3sls

متغیر توضیحی	ضرایب	آماره z	$P > Z $
Ly (لگاریتم تولید ناخالص داخلی)	۰/۰۶	-۲/۷	۰/۰۰۷
Lcp (لگاریتم شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی)	۰/۶۶	۷/۹۹	۰/۰۰۰
Lr (لگاریتم نرخ سود بانکی)	۰/۵۶	۵/۰۱	۰/۰۰۰
Lm (لگاریتم حجم نقدینگی بخش خصوصی)	۰/۳۷	۵/۷۶	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

معادله دوم نشان می‌دهد کسری بودجه دولت که از محل استقراض از نظام بانکی تأمین می‌شده است، دارای اثر مثبت و معناداری بر حجم نقدینگی بخش خصوصی و در نتیجه بر سطح عمومی قیمت‌ها بوده است. افزون بر این، مانده اعتبارات و تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش خصوصی، دارای اثر مثبت و قویاً معناداری بر حجم نقدینگی بخش خصوصی و در نتیجه سطح عمومی قیمت‌ها دارد. به طوری که با تغییر یک درصد در مانده اعتبارات و تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش خصوصی منجر به تغییر ۰/۹۴ درصدی حجم نقدینگی بخش خصوصی و نهایتاً تورم در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌شود (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: نتایج برآوردی معادله دوم (عرضه پول) به روش 3sls

متغیر توضیحی	ضرایب	آماره z	$P > Z $
LCS (لگاریتم مانده اعتبارات و تسهیلات بانکی به بخش خصوصی)	۰/۹۴	۵۲/۶۶	۰/۰۰۰
B (کسری بودجه دولت)	۲/۰۹ E-۰۶	۲/۰۸	۰/۰۳۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در معادله سوم حساسیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری بخش دولتی ناچیز و در حدود ۰/۰۳ درصد است. این مبین آن است که سرمایه‌گذاری بخش دولتی تأثیر چندانی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی دوره مورد بررسی ندارد. در حالی که مانده اعتبارات و تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش خصوصی اثر قابل ملاحظه‌ای بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد، که می‌تواند متأثر از شرایط ساختاری ایران باشد. به این مفهوم که در کشورهای توسعه یافته بازارهای مالی (پول و سرمایه) گسترده و بازار بورس پیشرفته و شرکت‌های سرمایه‌گذاری فراوانی وجود دارد که پروژه‌های سرمایه‌گذاری را تأمین مالی می‌کنند و نقش بازار پول و بانک‌ها را در این امر، کم‌رنگ‌تر می‌سازند، به طوری که وام‌ها و اعتبارات بانکی نمی‌توانند به‌عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مطرح باشد. لیکن، با توجه به کمبود بازار سرمایه و نیز گسترش نیافتن بازار سهام شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی در کشور، امکان تأمین منابع سرمایه‌گذاری برای مؤسسات اقتصادی از بازار سرمایه و نیز انتشار سهام و اوراق مشارکت به‌طور قابل قبولی وجود ندارد. از این‌رو نه تنها مؤسسات بزرگ، بلکه مؤسسات کوچک‌تر نیز منابع لازم برای سرمایه‌گذاری را از طریق بازار پول و اعتبارات بانکی به‌دست می‌آورند. همچنین در این معادله نرخ تورم اثر منفی و درخور توجه بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. به طوری که با افزایش هر یک درصد نرخ تورم ۰/۷۴ درصد سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی کاهش می‌یابد (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: نتایج برآوردی معادله سوم (سرمایه‌گذاری بخش خصوصی) به روش 3sls

متغیر توضیحی	ضرایب	آماره Z	$P > Z $
LCS (لگاریتم مانده اعتبارات و تسهیلات بانکی به بخش خصوصی)	۰/۷۳	۴/۴۵	۰/۰۰۰
Lig (لگاریتم سرمایه‌گذاری بخش دولتی)	۰/۰۳	۰/۱۷	۰/۸۶۳
Lcp (لگاریتم شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی)	-۰/۷۴	-۳/۹	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و سیاست‌های پیشنهادی

از آن‌جاکه یکی از مشکلات عمده اقتصادی کشور طی چند سال گذشته، پدیده تورم بوده است و این معضل همچنان استمرار داشته است، حجم زیادی از پژوهش‌های اقتصادی کشور به بررسی این پدیده اختصاص داشته است. بی‌گمان استفاده از نتایج پژوهش‌های به‌عمل آمده در سیاست‌گذاری و تدوین خط‌مشی اقتصادی کشور اهمیت دو چندان دارد.

یکی از دلایل تورم در ایران، رشد فزاینده عرضه پول بوده است. رشد عرضه پول نیز عمدتاً از طریق رابطه پایه پولی رخ داده است. به‌ویژه اینکه در سال‌های اخیر انباشت درخور توجهی از نقدینگی در کشور به وقوع پیوسته است. بنابراین، یکی از اقدام‌های اساسی برای رفع تورم، به‌کارگیری سیاست‌های انقباضی پولی به‌شمار می‌آید.

برای استفاده مطلوب‌تر از اعتبارات شبکه بانکی کشور در فعالیتهای تولیدی و مولد پیشنهاد می‌شود با تأمین منابع مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاران از طریق گسترش بازارهای مالی و سهام و نیز گسترش شرکت‌های سرمایه‌گذاری فعال، اتکاء سرمایه‌گذاران به منابع مالی بانک‌ها را کاهش داد. دولت نیز، با کاهش اتکاء خود به منابع بانکی و تأمین کسری بودجه خود از راه‌های دیگر، به این امر کمک کند. بی‌تردید، ایجاد بازارهای مالی و پولی شفاف و گسترده، رقابت بیشتر این مؤسسات و بانک‌ها را به‌همراه خواهد داشت و نتیجه آن نیز، تخصیص بهینه منابع کمیاب و در نتیجه، کمک به رشد و توسعه اقتصادی کشور خواهد بود.

کتاب‌نامه

الف. فارسی

- اکبری، ا. محمدی دینانی، م: *طرح بررسی تأثیر حجم نقدینگی بر تولید در بخش کشاورزی ایران*، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده اقتصاد، ۱۳۷۹.
- تفضلی، ف: *اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، نشر نی، چاپ دهم، ۱۳۷۶.
- تقوی، م. و غروی نخجوانی، س. ا: *تورم رکودی در اقتصاد ایران*، پژوهش‌نامه اقتصادی، ۹(۳ و ۲)، ۱۳۷۹.
- توتونچیان، ا: *اقتصاد پول و بانکداری*، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- داودی، پ: *سیاست‌های تثبیت اقتصادی و برآورد مدل پویای تورم در ایران*، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۵ (۱)، ۱۳۷۶.
- دفتر مطالعات اقتصادی، *تورم، دلایل و راه‌های مهار آن در اقتصاد ایران*، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی، وزارت بازرگانی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- سرابادانی، غ. ر: *تورم، عوامل و راهکارهای مقابله با آن در ایران*، اقتصاد اسلامی، ۶(۲۱): ۱۳۸۵.
- سلیمی‌فر، م. و قوی، م: *تسهیلات و سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران*، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳: ۱۳۸۲.
- عباسی‌نژاد، ح و تشکینی، ا: *آیا تورم در ایران یک پدیده پولی است؟*، تحقیقات اقتصادی، ۶۷: ۱۳۸۳.
- عمادزاده، م. صمدی، س و حافظی، ب: *بررسی عوامل (پولی و غیرپولی) مؤثر بر تورم در ایران*، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۱۹، ۱۳۸۴.

فرزین وش، ا. و ت. رحمانی: *درونزایی عرضه پول و تأثیر فشارهای هزینه‌ای بر آن در اقتصاد ایران*، تحقیقات اقتصادی، ۵۶، ۱۳۷۹.

قوام مسعودی، ز و تشکینی، ا: *تحلیل تجربی تورم در اقتصاد ایران (۸۱-۱۳۳۸)*، پژوهشنامه بازرگانی، ۹(۳۶)، ۱۳۸۴.

کتابی، ا: *تورم: ماهیت، علل، آثار و راه‌های مقابله با آن*، نشر اقبال، ۱۳۶۷.

نصراصفهانی، ر. و ک. یاوری: *عوامل اسمی و واقعی مؤثر بر تورم در ایران - رهیافت خود رگرسیون برداری*، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۶، ۱۳۸۲.

ب. انگلیسی

Fridman, M: *Inflation, Causes and Consequences*, Asia Publication House(New York), 1963.

Laidler, D. and M. Parkin: *Inflation*: Survey, The Economic Journal, 85, 1975.

William, B and A. S. Blinder: *Economics Principles and Policy*, 5th Edition, 1991.